

بررسی شخصیت عرفانی علامه طباطبائی رحمه الله علیه

زهره فیضی^۱

چکیده

یکی از راه‌های رسیدن به معنویت درک‌های ذوقی و شهودی است که در اصطلاح به آن عرفان گفته می‌شود. آغاز و در ادامه به مسلک عرفانی و بینش شهودی ایشان، اساتید و آثاری که علامه از آن بهره برده و باعث شده ایشان در این فن صاحب نظر باشد پرداخته‌ایم. در آخر به نقل چند داستان کوتاه از کشف و شهود علامه که در زندگی با برکتش اتفاق افتاده را بیان کردیم و سعی کردیم تا با معرفی این بعد از زندگی علامه در جهت شناخت هرچه بیشتر ایشان و شناساندن این عارف بزرگ بر دیگران به این مهم برسیم که علم و تزکیه نفس برای عمل با هم دو بال انسان برای رسیدن به این حیات معنوی هستند. هدف از این مقاله آشنایی بیشتر با شخصیت عرفانی علامه و معرفی آن به افراد دیگر است و دستیابی به این پرسش که علامه عرفان را در زندگی چگونه پیاده نمودند و بهره ایشان از عرفان تا چه حد بوده است؟ این مقاله که به صورت کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی-توصیفی است از کتاب‌های یادنامه و خاطراتی که از شاگردان علامه پس از او روایت کرده‌اند جمع‌آوری شده است تا به شناخت این بعد از زندگی علامه که ناشناخته مانده است برسیم.

کلید واژها: شخصیت عرفانی، علامه طباطبائی

^۱. طلبه سطح سه موسسه آموزش عالی کوثر، رشته تفسیر و علوم قرآنی، ۰۹۳۶۹۲۳۵۳۴۹.

مقدمه

عرفان در لغت به معنای «شناخت» و نام علمی از علوم الهی است که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات خداوند است. همچنین به راه و روشی که علماء برای شناسائی حق انتخاب کرده اند عرفان می‌گویند. عرفان، مجموعه شناخت‌هایی است درباره ادیان الهی که در بخش‌های عقاید، اخلاق و احکام وجود دارد؛ به عبارت دیگر، در بخش‌های عقیدتی و ارزشی، به عبارت سوم، در ابعاد هست‌ها و باید‌ها و نبایدها وجود دارد. این مجموعه از معارف در میان اندیشمندان مسلمان، از جمله علامه محمد حسین طباطبائی وجود دارد. که عارفی برجسته به نام در تاریخ اسلام است. سوالی که مطرح می‌شود این است که: شخصیت عرفانی علامه چگونه بوده است؟

این موضوع در علوم اخلاقی، فلسفی، کلامی و عرفانی قابل بررسی است و کتاب‌های فراوانی در رابطه با زندگی علامه نوشته شده است، در تحقیق از جنبه عرفانی به زندگی علامه نگریسته شده است.

ضرورت پرداختن به این مساله ضرورتی اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی است. با شناخت شخصیت‌های برجسته دینی اسلام توجه به ایشان بیشتر می‌شود و سعی بر الگو برداری از آنها می‌گردد ولی تا جایی که شناختی نباشد افراد مستعد نمی‌توانند الگوی مناسب رفتاری انتخاب کنند. درست است مثل علامه دیگر پیدا نمی‌شود ولی حداقل با شناساندن ایشان می‌توان شخصیت واقعی

او را به جوانان مستعد نشان داد که چگونه به سیر سلوک و معرفت الی الله رسیده بودند. تا جوانان هم راههای رسیدن به سیر سلوک را بیاموزند و هدف خود قرار دهند.

هدف از انجام این پژوهش، آگاهی یافتن خود از حقیقت عرفان در زندگی علامه و در مرحله بعد در دسترس قرار دادن مطالب جهت اطلاع رسانی به افرادی که جویای علم و خواهان شناخت معرفت علامه هستند و به تبع آن ترویج عرفان دینی و این که با تلاش و رضیت می توان به عرفان پسندیده دست یافت.

حیات علامه طباطبائی در مواضع متعددی از آثار خویش، شاگردان وی و دیگر محققان بیان و بررسی شده است، لکن نوشتار حاضر با مفروض دانستن طریق خاص ایشان برای دست یابی به معرفت دینی، سعی بر این داشته تا در حیات وی، بسترهای شکل گیری نوع شخصیت تأثیرگذار بر گزینش طریق مفروض را بررسی نماید. از این رو، تفاوت هایی با آثاری چون مجموعه آثار شهید مطهری، علامه طباطبائی میزان معرفت نوشته احمد لقمانی، سیری در سیره عملی و علمی علامه طباطبائی از نگاه فرزندان نوشته مرادعلی شمس، زندگینامه علامه طباطبائی اثر غلامرضا گلی زواره، دارد. در هرکدام از کتاب های نام برده به بررسی کامل زندگی علامه پرداخته شده است و مسائل عرفانی به صورت پراکنده از این کتاب ها جمع آوری شده، مزیت تحقیق حاضر نسبت به منابع یاد شده در این است که اختصاصاً به بعد عرفانی شخصیت علامه پرداخته است.

مفهوم عرفان در لغت

عرفان در لغت به معنای «شناخت و نام علمی از علوم الهی است که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات خداوند. همچنین به راه و روشی که علماء برای شناسائی حق انتخاب کرده اند عرفان می‌گویند».^۱

در مفردات راغب آمده است که: «إدراك الشيء بتفكر وتدبر لأثره، وهو أخص من العلم، ويزاده الإنكار، ويقال: فلان يعرف الله ولا يقال: يعلم الله متعديا إلى مفعول واحد، لما كان معرفة البشر لله هي بتدبر آثاره دون إدراك ذاته، ويقال: الله يعلم كذا، ولا يقال: يعرف كذا، لما كانت المعرفة تستعمل في العلم القاصر المتوصل به»^۲ با این بیان که: عرفان درواقع ادراک چیزی با تفکر و تدبر در اثر آن است که خاص‌تر از علم است، به این دلیل که عرفان متعدی به مفعول نمی‌شود و این‌که می‌گویند «فلان يعلم الله» تعبیر غلطی است، برخلاف زمانی که بگویند: «فلان يعرف الله»، چون معرفت خداوند به واسطه تدبر در آیاتش می‌باشد نه درک ذاتش، همچنین صحیح است گفته شود: «الله يعلم كذا» و صحیح نیست گفته شود: «الله يعرف كذا»، چون معرفت در علم محدودی که با تفکر حاصل می‌شود به کار می‌رود.

مفهوم عرفان در اصطلاح

عرفان در اصطلاح به معنای معرفت خدای سبحان از جهت اسماء، صفات، مظاهرش، احوال مبدا و معاد، حقایق عالم و کیفیت بازگشت آن‌ها به حقیقتی واحد یعنی ذات احدیت معرفت طریق سلوک و

^۱ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۱۰، ص: ۱۳۵۹۲

^۲ راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ج ۱، ۵۶۱.

مجاهده برای رها سازی نفس از تنگناهای قید و بند جزئیت و پیوستن به مبدا خویش واتصاف به نعمت اطلاق و کلیت»^۱.

از این تعریف مشخص می‌شود که عرفان دو بخش نظری و عملی دارد، عرفان نظری به تفسیر هستی می‌پردازد و خدا، جهان و انسان را تفسیر می‌کند، که از این جهت شبیه فلسفه است. اما عرفان عملی، وظایف انسان را با خودش، با جهان و خدا بیان می‌کند. که این بخش از عرفان را علم «سیر و سلوک» می‌نامند. انسان عارف همیشه در حال تلاش است تا با در پیش گرفتن مجاهدات، تصفیه دل، طی منازل و مقامات توحید، بتواند دیگر معارف الهی را با علم شهودی درک کند، بنابراین، هدف والای عرفان رسیدن به توحید شهودی از راه تصفیه دل است.^۲

سلوک ملکوتی علامه

علامه از نسل خاندانی است که مانند منظومه ای نورانی شناخته شده اند. ایشان هم در این راه به مقامات والایی دست یافته‌اند؛ زیرا عبادت‌های ایشان با انگیزه درونی بود و از طریق تزکیه نفس، خودخواهی‌ها، خواسته‌های دنیوی را پاک کرد و به اخلاص، صدق و صفا دست یافت. ایشان عرفانی را انتخاب نمود که در قرآن و حدیث ریشه داشت و اساس آن بر انجام واجبات و مستحبات و ترک محرّمات و مکروهات استوار بود.

علامه به برکت عروج عرفانی، به کشف و شهود دست یافت، ولی خود مایل به بیان آن نبود. سیدجواد هشتروندی با علامه پیوند خوبی نداشت. محمدباقر صدری می‌گوید: «این شخص با من مناسبات دوستانه داشت. روزی به او گفتم این چه شیوه ای است که پیش گرفته اید؟ پس از طرح مسائلی گفت، در محرم سال ۱۳۴۲ من در جایی به منبر می‌رفتم. برایم گرفتاری‌هایی پیش آمد که به ناچار

^۱. ر.ک، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ص ۲۵

^۲. ر.ک، مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۲۶-۲۸

کردم ولی بدنم در زمین است به قدری با بدنم فاصله گرفتم که آن را از دورترین نقطه مشاهده می‌کردم تا پس از چندی نهر آبی را دیدم چنانچه در روایت آمده است: «نهر فی الجنه».^۱

مکاشفات

بسیاری از گفت‌وگوهای روزانه و نشست و برخاست‌های دوستانه برای اولیاء خدا، غبار غم و گرد گناه به حساب می‌آید. چرا که «آیینہ دل» اینان از «نور ایمان» روشنایی یافته و صفای قلبشان به عطر اخلاص معطر شده است.

استاد حسن زاده می‌گوید:

مرحوم علامه طباطبایی روزی به من فرمود: «آقا هر روز که مراقبتم قوی‌تر است، مشاهداتم در شب زلال‌تر است. هر روز توجه‌ام بیشتر است مکاشفاتم در شب صاف‌تر است».

پس از واقعه هفتم تیر که نزدیکان ایشان نمی‌خواستند شهادت سید مظلوم آیت الله بهشتی را به علت کسالت علامه به ایشان خبر دهند، در همین احوال یکی از اطرافیان حضرت استاد به اتاقی که ایشان در آنجا بود می‌رود و علامه به او چنین می‌فرماید: «چه به من بگوئید و چه نگوئید من آقای بهشتی را می‌بینم که در حال صعود و پرواز است».^۲

^۱ شمس، همان، ص ۱۳۰-۱۳۱

^۲ احمد لقمانی، علامه طباطبایی میزان معرفت، ص ۹۱

لحظات آخر عمر علامه

در ماه‌های آخر عمر، علامه دیگر به امور دنیا توجهی نداشت. از امور دنیا غافل بود، در عالم دیگری سیر می‌کرد و ذکر خدا را بر لب داشت. یکی از دوستان علامه که در شب‌های آخر عمر علامه در خدمت او بود چنین می‌گوید: «ایشان در بستر نشسته بود و با چشم‌های نافذش به گوشه اتاق نگاه می‌کرد ولی یارای سخن نداشت. خواستم سخن و دستوری از او بشنوم عرض کردم برای توجه به خدا و حضور قلب در نماز چه راهی را توصیه می‌فرمایید؟ به سوی من متوجه شد و لب‌هایش حرکت کرد و با آهنگی بسیار ضعیف که با سختی شنیده می‌شد فرمود: «توجه مراوده، توجه مراقبه، توجه مراوده» و این جمله را متجاوز از ده مرتبه تکرار نمود. آن حضرت در حالی این سخن را فرمود که به همه امور دنیا حتی آب و غذا هم بی‌توجه بود ولی از امور معنوی و یاد خدا غافل نبود».^۱

^۱ شمس، همان، ص ۹۹

نتیجه

معنویت که همان صفات پسندیده که قرآن از آن به حیات طیبه تعبیر کرده است جز در سایه قرآن به دست نمی‌آید و انسان می‌تواند به مرحله‌ای از ذوق و درک شهودی نائل آید که به عرفان رسیده و بینش شهودی یابد و با آن طی طریق بنماید. این نیز میسر نمی‌شود مگر این که آدمی از ابتدا خویش را ملزم به رعایت آن کند چونان که در خاطرات این بزرگ‌مرد عارف و عامل قرآن آمده که ایشان از همان ابتدای جوانی وقتی با آیت الله قاضی -رحمه الله علیه- آشنا می‌شود دل در گرو ایشان بسته و عازم این سیر و سلوک می‌شود.

درست است علامه دریایی از علوم مختلف بوده است و همه ایشان را به عنوان یک فیلسوف و مفسر قرآن می‌شناسند. ولی آنچه واضح است این که کسی می‌تواند قرآن را تفسیر کند که قرآن در روح و جاننش نفوذ کرده باشد و این نیز شدنی نیست مگر در سایه عمل به قرآن و گرنه یادگیری علوم به جهت الفاظ و اصطلاحات سودی به حال انسان ندارد و عمل به قرآن نیز جز در سایه تزکیه و پالایش نفس و مراقبه و مراوده‌ای که استاد از آن سخن می‌گوید میسر نمی‌شود چونان که خود علامه فرمود که ما نیز باید مثل قرآن باشیم و جز پاکان را لمس نکنیم.

شهید مطهری -رحمه الله علیه- به عنوان یکی از شاگردان ایشان که مدعی هستند این تفسیر در میان شیعه و سنی از صدور اسلام تا امروز بهترین تفسیر است می‌فرمایند: «نوشتن این تفسیر و خلق این اثر گران قدر جز با مکاشفات و بهره گرفتن از عالم ملکوت امکان پذیر نیست.» لذا ادعایی می‌شود که رابطه علم و عرفان رابطه عموم خصوص مطلق است به این معنا که هر عالم به صرف الفاظ و اصطلاحات به مقام عرفان نمی‌رسد البته عرفانی که منطبق با قرآن است.

ما در این مقاله که به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی جمع‌آوری کرده‌ایم در صدد پرده‌برداری از این بعد زندگی علامه بودیم. این بعد از زندگی علامه یعنی بعد معنوی و عرفانی ابعاد دیگر ایشان را تقویت نموده است.

إن شاء الله با بهره‌گیری از این بعد از زندگی علامه بر خود متذکر شویم و از خواب غفلت بیدار شویم.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱- احمد لقمانی، علامه طباطبائی میزان معرفت، چاپ و نشر بین المللی، چاپ اول، ۱۳۸۰، بی جا.
- ۲- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه..
- ۳- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۴- محمد بندر ریگی، المنجد، ترجمه، انتشارات ایران، ج ۲، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، تهران.
- ۵- مراد علی شمس، سیری در سیره عملی و علمی علامه طباطبائی از نگاه فرزندان، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۶- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- ۷- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، معنویت اسلامی چیست و چرایی و چگونگی، انتشارات شفق، قم، ۱۳۶۱.
- ۸- گلزواره، غلامرضا، زندگینامه علامه طباطبائی، اسوه، قم، ۱۳۸۵.
- ۹- غلامرضا گلی زواره، جرعه های جان بخش، انتشارات حضور، چاپ اول، سال ۱۳۷۵.